

دکتر مسحن فرشاد یکتا

وکیل پایه یک دادگستری

شبیه‌سازی و آثار حقوقی آن

میدان اندیشه، تخیل، و تصور انسان، دنیای بی‌مانند و وسیعی است که با خلق آثاری بزرگ در زمینه علم، هنر و صنعت جلوه‌ای ویژه به حیات پرآشوب انسان می‌بخشد. داستان‌های علمی-تخیلی یکی از آن جویانگه‌های بزرگ اندیشه آینده‌نگر بشری است که شاید با داستان‌های بیست هزار فرسنگ زیر دریا، سفر به ماه و مسافرت به اعماق زمین ژول ورن نویسنده پرفریحه فرانسوی آغاز شده باشد. آن‌گاه با ورود به قرن بیستم، وضع تئوری‌های نسبییت انیشتین و کوانتوم ماکس پلانک، داستان‌های علمی-تخیلی به اوج خود رسید. یکی از آن داستان‌ها، شبیه‌سازی انسان به وسیله یک تمدن فراصنعتی پیشرفته بوده است.

در ۱۹۸۶ میلادی، شخصی به نام رائیل که قهرمان اتومبیل‌رانی فرانسه بود، جنبشی به راه انداخت و مدعی شد که فوق‌زمینیان و موجودات فضایی او را انتخاب کرده، با خود به سیاره بسیار پیشرفته‌شان برده‌اند و در آن جا به او نشان دادند که چگونه یک سلول از بدن انسان می‌تواند عین او را و همانند او را شبیه‌سازی و تکثیر کنند. این جنبش هم‌اکنون در سرتاسر دنیا طرفدارانی دارد.

پیرو داستان‌های علمی تخیلی و جنبش رائیل، یک دامپزشک اسکاتلندی به نام «یان ویلمت» اعلام کرد که قادر است حیوان یا انسان را بدون عمل جنسی به وجود آورد. در واقع، بنا به ادعای این دامپزشک، بودن اسپرم، تکثیر تقریباً کامل ژنتیک یک انسان می‌تواند از سلول پوست یا دنده انجام پذیرد.

در ۱۹۹۶ میلادی، دانشمندان از سلول گوسفند ماده که در رحم گوسفند ماده

دیگری کاشته شده بود، گوسفندی به نام «دالی» را به دنیا آوردند. این آغاز انقلاب بزرگ زیست‌شناختی بشر بود و ناگهان همه زنگ‌ها به صدا درآمد که امکان تحقق داستان‌های علمی - تخیلی به وسیله بشر بسیار امکان دارد. اکنون که این سطور را رقم می‌زنم، یک شرکت آمریکایی و یک شرکت ژاپنی بر این ادعا پافشاری می‌کنند که سه کودک شبیه‌سازی شده را به دنیا آورده‌اند.

شرکت آمریکایی که عمل شبیه‌سازی^۱ را انجام داده، مدعی است که پدر و مادر کودک اجازه آزمایش دی.ان.ا. او را نمی‌دهند، مگر این که مطمئن شوند بچه را از آن‌ها نمی‌گیرند.

در ۴ ژانویه ۲۰۰۳ میلادی دو زن هلندی از طریق شرکت «مشابه‌سازی»^۲ صاحب یک طفل شبیه‌سازی شده، شدند. اما باز مخالفین می‌گویند این شرکت هیچ دلیلی مبنی بر تولد و آزمایش دی.ان.ا. طفل ارائه نداده است.

سومین کودک شبیه‌سازی شده نیز در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۳ در ژاپن پا به عرصه وجود نهاده است. اکنون سیاره زمین با انقلاب بزرگی از لحاظ زیست‌شناختی، پزشکی، فیزیولوژی و حقوقی مواجه شده است.

با توجه به اهمیت موضوع، به ویژه که هر پیشرفت علمی مستقیماً بر قانونگزاری، و ساختار حقوقی و رفتار اجتماعی اثر می‌گذارد، و مباحث حقوقی زیادی را در جهان برمی‌انگیزد، ابتدا به بحث درباره شبیه‌سازی از دیدگاه علمی آن، و سپس از نظر حقوقی و فلسفی خواهیم پرداخت.

● شبیه‌سازی چگونه انجام می‌گیرد؟

تکنیک شبیه‌سازی، پیشرفته‌تر از تکنیکی است که به وسیله آن، بچه از طریق لوله آزمایش به دنیا می‌آید. در لوله آزمایش، اسپرم مرد با تخمک یک زن آمیزش داده می‌شود و دقیقاً همان شرایط رحم مادر فراهم می‌شود و نتیجه، پدید آمدن یک جنین است، اما در شبیه‌سازی از لوله آزمایش خبری نیست، بلکه از سلول یا دی.ان.ا. یک شخص استفاده می‌شود تا شبیه آن متولد شود. در این روش، دی.ان.ا. زنی که سترون

1 - Cloning

2 - Clonaid

است و نمی‌تواند باردار شود، اما می‌خواهد بچه‌ای داشته باشد که از لحاظ ژنتیک و وراثتی شبیه او باشد برداشته شده با تخمک یک زن دیگر که می‌تواند بارور شود پیوند می‌خورد. آن‌گاه دانشمندان بخشی از مواد ژنتیک یا محتویات هسته سلول را برداشته، خارج می‌کنند، سپس دی.ان.ا. زن اولی را که خواهان بچه است به تخمک زن دوم وارد کرده، به آن پیوند می‌زنند. به این ترتیب یک جنین به دست می‌آید. آن‌گاه جنین را در رحم زن اول، یعنی اعطاکننده دی.ان.ا. می‌کارند. در این صورت بچه شبیه مادر دهنده دی.ان.ا. خواهد بود.

اگر مادر که دی.ان.ا. خود را در اختیار دانشمندان گذاشته نتواند بارور شود، زن دیگری را جانشین او می‌کنند، یعنی دی.ان.ا. مادر با تخمک پیوند خورده تشکیل یک جنین می‌دهد که در رحم زن ثالثی کاشته می‌شود.

بچه متولد شده دقیقاً شبیه مادر نیست، چون مقدار کمی از ماده ژنتیک تخمک اهدا شده و محیط مختلف در رحم زن، اثر می‌برد.

مثال دیگر درباره دختری به نام امیلی است که در حادثه رانندگی در آمریکا در ۱۷ سالگی به علت مستی در رانندگی کشته شد و مادرش، کاترین گوردون، سلول‌های منجمد شده او را در جایی نگه داشته تا در آینده شبیه‌سازی شود.

به این ترتیب اگر سلول امیلی را در تخمک زن دیگری وارد کرده، و یک سلول تخم به وجود آورند، این سلول به یک جنین و سپس به یک نوزاد کامل تبدیل می‌شود.

ناگفته نماند که این در صورتی است که مادر خود طفل نتواند بارور شود، وگرنه سلول شخص در گذشته - در مثال ما امیلی - می‌تواند با تخمک مادر خود نیز پیوند بخورد و یا در آن ادغام شود.

به طور خلاصه، این تکنیک انسان را تکثیر می‌کند و اگر می‌توانستیم هنگام مرگ آلبرت اینشتین دانشمند بزرگ قرن بیستم، سلولی را از او نگه‌داری و سلول هم‌زنده می‌ماند، اکنون می‌توانستیم با پیوند زدن و یا ادغام سلول اینشتین با تخمک یک زن، یک اینشتین دیگر شبیه او به دنیا بیاوریم. اما به اعتقاد و باور دانشمندان این رشته، چون می‌حظ رحم زنی که سلول اینشتین در آن رشد می‌کند، متفاوت از رحم مادر اینشتین اولی است، اینشتین شبیه‌سازی شده، دقیقاً همان اینشتین نخواهد بود.

سؤال این است که فارغ از وجود شناخت، آیا نوزاد شبیه‌سازی شده نبوغ اینشتین را

هم خواهد داشت؟ البته علم مشابه‌سازی تاکنون چنین تضمینی نداده است. مشکل دیگری که در شبیه‌سازی ممکن است پیش بیاید این است که اگر کوچک‌ترین اشتباهی در تکنیک شبیه‌سازی و هنگام دست‌کاری دی.ان.ا. مثلاً اینشتین یا امیلی پیش بیاید، ممکن است نوزاد ناقص‌الخلقه و یا حتی با دو سر متولد شود. دانش زیست‌شناسی به ما می‌گوید که ژن ساختاری است که خصوصیات وراثتی ما را حمل می‌کند. ژن بخش معینی از ملکول دی.ان.ا. را تشکیل می‌دهد. کروموزم‌های انسان حامل ژن هستند. کروموزم‌ها ساختارهای سلولی هستند که اساساً از دی.ان.ا. تشکیل شده‌اند.

دی.ان.ا. حامل کلیه اطلاعات ارثی ما و اطلاعات مربوط به وظایف مختلف اندام‌های ما است. کروموزم‌های حاضر در هر سلول، یک ماده پیچیده با وزن ملکولی بسیار بالا در ساختمان اصلی خود دارند که دی.ان.ا. نامیده می‌شود. و همان طور که گفتیم، تأکید دانش زیست‌شناسی بر این است که دی.ان.ا. حامی و ستون مادی خصوصیات وراثتی ما است و در ساختمان آن، تمام اطلاعات که یک موجود زنده را تعریف و توصیف می‌کند، برحسب کد مخصوصی ثبت و نوشته شده است، کما این که امروز در آفریقا گیاهانی را پیدا کرده‌اند که در تخم آن‌ها شکل کامل گیاه که باید در آینده از آن تخم رشد کند ثبت و ترسیم شده است. یا به عبارت دیگر، تخم گیاه، و سلول‌های آن قبلاً تمام اطلاعات مربوط به حیات گیاه و رشد آینده او را در خود ثبت کرده‌اند. ساختار ژنتیک انسان نیز چنین است. پس دی.ان.ا. حاکم بر کلیه فعالیت‌های زنده سلول است. به همین دلیل اگر در دست‌کاری این ملکول، کوچک‌ترین اشتباه علمی، یا فنی رخ بدهد، انسان از هیأت حاضر خود خارج می‌شود و ممکن است داستان فرانکشترین به طور حقیقی و عملی اتفاق بیفتد و درست مثل علاءالدین که غول چراغ را از آن خارج کرد، دیگر نتواند آن را به چراغ برگرداند، آن‌گاه حیات واقعی انسان و سرنوشت او به مخاطره خواهد افتاد.

در این جا است که باید به دانشمندان هشدار داد که تحقیقات علمی هر قدر هم ارزنده باشند نباید به قیمت تمدن بشری و حیات کره زمین تمام شوند، مگر این که بسیار دقیق و حساب شده صورت گیرند. بسیاری از دانشمندان اظهار کرده‌اند که شبیه‌سازی برای سعادت انسان و بهروزی او بسیار مفید است، زیرا برای کسانی که دست یا پا و یا

یک عضوی را در اثر تصادف و یا به هر علتی از دست می دهند، با تکنیک شبیه سازی می توانند همانند دست یا پای آن‌ها را ساخت، بدون این که نیازی به دست یا پای مصنوعی باشد و یا کسانی که پوست خود را به نحوی از دست داده و یا دچار سرطان پوست و یا هر عضو شوند، پوست با شبیه سازی پوست و برداشتن عضو سرطانی، می توانند همانند آن‌ها را شبیه سازی کرده جانشین عضو فاسد و سرطانی کنند؛ اما مشکلات عمده‌ای که این امر پدید می آورد، از لحاظ حقوقی بسیار قابل تعمق است. به همین دلیل ما در این بخش به آثار حقوقی شبیه سازی می پردازیم.

• آثار حقوقی شبیه سازی

در بدو امر لازم است یادآوری کنم که کنگره آمریکا بر علیه شبیه سازی، قوانینی را تصویب کرده است، چون نمایندگان مجلس آمریکا بر این باورند که شبیه سازی، ساختار اخلاقی و مکارم انسان را به خطر می اندازد. چون مشابه سازی انسان او را تا حد کادوهای بسته بندی شده پائین می آورد، و ساخت انسان‌های سفارشی، روح انسانیت را از آن‌ها سلب می کند، و آنان بیش تر شبیه کالا هستند تا انسان.

سنای آمریکا نیز طرحی را در دستور کار خود قرار داده که برای شبیه سازی مجازاتی تا ده سال حبس در نظر بگیرد.

در مقابل قوه مقننه آمریکا، پزشکان و زیست شناسان سخت جبهه گرفته، اعتراض کردند. به زعم آنان، کنگره و سنای آمریکا حق ندارند جلوی تحقیقات علمی را بگیرند، و به این وسیله حرکت و رشد علم و فناوری انسان را عقب بیندازند و مانع ترقیات آینده آمریکا شوند.

یکی از استادان دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد به دنبال سر و صدای حقوقی و مسائلی قضائی که برای شبیه سازی مطرح شده، اظهار نظر کرد که قوانین یک کشور، از جمله آمریکا نباید به عنوان یک اهرم، مانع ترقیات علمی، فنی و تحقیقاتی آن شود. ما حقوقدانان باید با سعه صدر و تساهل به تغییرات و پیشرفت‌های جامعه بشری بنگریم و با روشنفکری به استقبال همه تحولات علمی، فکری و زیربنایی کشور خود برویم.

از نظر این استاد، علم حقوق علم انتخاب بهترین روش قانونگزاری در یک جامعه است و هیچ قانون و حکم و طرحی نباید اساسی ترین و اصولی ترین مبانی حیات معنوی

بشر را که همان آزادی‌اندیشه در تحقیق و دانش است به خطر بیندازد. امروز قوانین موضوعه، تصمیمات دادگاه‌ها، و رویه‌های قضائی باید حافظ رشد علمی، فنی، صنعتی و هنری یک جامعه باشند. قوانین و مقررات نارسا چه بسا ده‌ها سال یک کشور را از لحاظ پیشرفت‌های علمی و اجتماعی به عقب می‌اندازد. پس باید در این خصوص بسیار درست اندیشید و عمل کرد.

هر قانون ضد علمی، دانشمندان و محققین را به سرزمین‌ها و جوامع دیگری که دارای قوانین سهل‌تر و مشوق‌تر هستند روانه و گسیل می‌دارد. یکی از ده‌ها دلیل فرار مغزها، نبودن قوانین موضوعه صحیح برای حفظ و جذب دانشمندان و اندیشمندان است.

ما در باب آثار حقوقی تکنیک شبیه‌سازی، از یک طرف با مسائل قانون مدنی، و از سوی دیگر با مسائل قانون جزا مواجه می‌شویم.

● شبیه‌سازی از دیدگاه قانون مدنی و جزا

اکنون بر سر مالکیت کودک شبیه‌سازی شده بین شرکت سازنده و والدین طفل اختلاف افتاده است. بزرگ‌ترین سهم ایجاد بچه شبیه‌سازی شد متعلق به شرکت سازنده است که فناوری دقیق و پیچیده آن را در اختیار دارد.

شرکت سازنده می‌تواند با دریافت مبلغ هنگفتی از طریق یک قرارداد، یک کودک شبیه‌سازی شده را برای یک فرد، یا دو فرد، یا یک خانواده بسازد. در این صورت، مالکیت طفل متعلق به خانواده یا افراد سفارش دهنده است. اما مسأله به این جا ختم نمی‌شود. این کودک از چه کسی ارث می‌برد؟ در صورتی که سلول فرزند در گذشته با تخمک مادر اصلی خود ادغام شده و پیوند بخورد، بدون هیچ بحثی، وارث نوزاد شبیه‌سازی شده، مادر اصلی او خواهد بود؛ اما وقتی است که مادر اصلی او یا بارور نمی‌شود یا دیگر بارداری از سن او گذشته است. در این صورت، سلول فرزند مرده با تخمک زن ثالثی ادغام شده، در رحم او کاشته می‌شود. در این صورت چون نوزاد از محیط رحم زن ثالث نیز خصائصی را به ارث می‌برد و کروموزوم‌های نوزاد شبیه‌سازی شده از محیط غیرمادر خود نیز متأثر می‌شود، پس زن ثالث نیز می‌تواند ادعای نگهداری و مورثیت طفل را مطرح کند.

شکی نیست که در این موارد قانونگذاران باید با مطالعه و درایت مبادرت به وضع قانون کنند تا اختلاف جامعه برطرف شود. از نظر من در این وضع، نوزاد، در صورتی که زنده به دنیا بیاید از مادر اولی که سلول فرزند در گذشته در اختیار او بوده ارث می‌برد. ممکن است ایراد شود که فرزند زن اول مثلاً دختر آمریکایی که در تصادف کشته شده است - دیگر وجود ندارد تا حقی برای مادر او ایجاد کند؛ کودک شبیه‌سازی شده یک انسان جدید است که فقط شبیه آن دختر است و مالکیت سلول حقی از حیث مالکیت و یا ارث برای نوزاد ایجاد نمی‌کند. اما به نظر من، وارث مادری که سلول فرزندش را در اختیار دارد، همان کودک شبیه‌سازی شده است، مگر در مورد کسی که غریبه است و فقط سلول یک فرد را در اختیار دارد.

اکنون مغز اینشتین، و تارهای موی ناپلئون بناپارت موجود است و فرض کنیم که بتوان از این سلول‌ها برای بازسازی استفاده کرد و دی.ان.ا. آن‌ها نیز زنده باشد. در این صورت مالک اینشتین و یا ناپلئون بازسازی شده کیست؟ کسی که سلول آن‌ها را در اختیار داشته و یا زنی که سلول در رحم او کشت شده است؟ از لحاظ حقوقی همه این مسائل نیازمند قانون جدید است. مسأله دیگر، مسأله تابعیت کودک شبیه‌سازی شده است.

● در حقوق بین‌الملل خصوصی

در حقوق بین‌الملل خصوصی دو اصل برای تابعیت وجود دارد: اصل خاک و اصل خون؛ یا قانون خاک و قانون خون.

کشورهای مهاجرپذیر مانند آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزلند تابع قانون خاک هستند، و هر کس در خاک این کشورها متولد شود، تابعیت آن‌ها را خواهد داشت. کشورهایی که قانون خون را رعایت می‌کنند، عبارتند از فرانسه، آلمان، ایتالیا و کشورهایی که مهاجرپذیر نیستند.

ایران هم قانون خاک را رعایت می‌کند، هم خون را. در کشورهای تابع قانون خون، فرزندان تابعیت کشوری را دارند که پدر و مادر آن‌ها تابعیت آن کشور را دارد. برای مثال، فرانسویان در هر جای دنیا فرزندان خود را به دنیا بیاورند، فرانسوی محسوب می‌شوند، اما هر کس که در فرانسه متولد شود، فرانسوی به حساب نمی‌آید، مگر این که از بدو

تولد پنج سال تمام در فرانسه اقامت داشته باشد، و قبل از شانزده سالگی پنج سال مداوم در فرانسه مانده باشد، آنگاه او می‌تواند درخواست تابعیت و شناسنامه فرانسوی کند. برعکس در آمریکا، کودکانی که از پدر و مادر غیرآمریکایی در آمریکا متولد می‌شوند، به دلیل قانون خاک خود به خود تابعیت آمریکا را خواهند داشت.

در ایران مطابق ماده ۹۷۶ قانون مدنی اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد.

وقتی سخن از ساکنین می‌رود غرض پیروی از قانون خاک است.

استاد دکتر ناصر کاتوزیان در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی می‌نویسد:

«در مورد بند ۱ ماده ۹۷۶ به دشواری می‌توان پذیرفت که هر بی‌تابعیتی که در ایران

سکونت پیدا کند ایرانی محسوب است.»^۱

نظر استاد صائب است، چون به صرف سکونت نمی‌توان برای کسی تابعیت قائل

شد.

۲. کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از این که در ایران و یا در خارج متولد شده

باشند. این بند دقیقاً از قانون خون در حقوق بین‌الملل خصوصی پیروی می‌کند و فرزند

پدر ایرانی در هر جایی متولد شده باشد ایرانی است. بنابراین، فرزند ایرانیانی که در

آمریکا یا کانادا متولد می‌شوند، از لحاظ اصل خاک تابع آمریکا، و از حیث قانون خون،

تابع ایران هستند. این جا است که مسأله تابعیت مضاعف مطرح می‌شود.

پس قانون ایران در خصوص تابعیت هم از اصل خاک پیروی می‌کند و هم از اصل

خون.

حال فرض کنیم یک شرکت آمریکایی که به کار مشابه‌سازی می‌پردازد، یک سلول از

شخص در گذشته آمریکایی را با تخمک زن هندی که در ایران زندگی کرده و ساکن

است، پیوند زند و ادغام کند و نوزاد شبیه‌سازی شده نیز در ایران به دنیا بیاید. مسلماً ما

در این جا با تعارض قوانین، و تعارض تابعیت مواجه خواهیم شد، زیرا تابعیت فردی که

مرده و سلول او اکنون بازسازی و شبیه‌سازی می‌شود، آمریکایی است، پس ممکن

است برای نوزاد ادعای تابعیت آمریکایی شود. از سوی دیگر، مادر هندی ممکن است

به دلیل به دنیا آوردن طفل، تابعیت هند را درخواست کند، و قانون ایران هم به دلیل اصل خاک، کودک شبیه‌سازی شده را طبق بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی بداند؛ چون بند ۳ ماده فوق مقرر می‌دارد: کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم است، تبعه ایران محسوب می‌شوند.

آیا تنها وارث سلول کسی بودن به شخص حق می‌دهد که هنگام شبیه‌سازی، خود را وارث نوزاد شبیه‌سازی قلمداد کند؟

یک فرض دیگر:

یک پدر ثروتمند، تنها فرزندش را در اثر تصادف و یا بیماری از دست می‌دهد؛ اما هنگام مرگ یک سلول او را در جای مخصوصی نگهداری و حفظ می‌کند، او نیز دچار بیماری می‌شود و سلول فرزند مرده خود را به پیشکارش می‌دهد که پس از مرگ او، سلول فرزند از دست‌رفته‌اش را بازسازی کند، و یا اصلاً سلول خود آن شخص ثروتمند را برداشته و او را شبیه‌سازی کند.

آیا از لحاظ حقوقی، آن فرزند بازسازی شده می‌تواند هنگام تولد ادعای ارث پدر خود را کند؟ و یا خود شخص شبیه‌سازی شده، ادعای مال و اموال خود را پس از تقسیم ارث بین وراث خود مطرح کند؟

چون اموال و ماترک شخص ثروتمند بین فرزندانش پس از مرگ او تقسیم شده اکنون دوباره از طریق سلولش شبیه‌سازی شده، آیا او می‌تواند ادعای ماترک تقسیم شده خود را از وراث سابقش بکند؟

شبیه‌سازی، تداوم بخشیدن به شخصیت و انرژی روحی و روانی آن شخص است. در این صورت ممکن است او بتواند ارث خود را دوباره ادعا کند؛ اما اگر این شخص دقیقاً همان نباشد، آن‌گاه از لحاظ حقوقی ادعای او رد می‌شود.

ما در شبیه‌سازی علاوه بر مسأله مالکیت نوزاد شبیه‌سازی شده، ارث و تابعیت او، با موضوع مسؤلیت‌های قانونی شرکت سازنده و مشابه‌ساز مواجهیم.

اگر این شرکت، کودک ناقص‌الخلقه و عقب‌افتاده به دنیا آورد چه مسؤلیتی دارد؟ آیا این شرکت حق از بین بردن آن کودک را دارد، یا منع قانونی کشتن یک انسان در برابر او است؟

اگر کودک مشابه‌سازی شده، به سن رشد رسید و مرتکب جنایت شد، آیا شرکت

سازنده را باید مسؤول دانست و یا همه مسؤولیت‌ها را مانند یک شخص طبیعی برعهده شخص شبیه‌سازی شده گذاشت؟

یادم می‌آید داستانی علمی-تخیلی می‌خواندم که در آن، از سلول شخصی، عین او را شبیه‌سازی کرده و شرکت سازنده شبیه او را به مبارزه علیه او فرستاد. شخص اول شبیه خود را ازین برد. دستگاه قضائی آمریکا، او را به جرم قتل بازداشت و محاکمه کرد. متهم در دادگاه در دفاع از خود گفت که او مرتکب قتل کسی نشده، بلکه خود را کشته است و مقتول چون عین خود او بوده پس او خود را کشته و خودکشی هم مجازات ندارد. وکیل مدافع نیز بیان داشت که مقتول از سلول و دی.ان.ا. متهم به وجود آمده و رشد کرده است. و تمام کروموزوم‌ها و ریوزوم‌های متهم در مقتول وجود داشته، و مقتول دنباله شخصیت، هویت و حیات طبیعی موکلش بوده و بنابراین، متهم اگر کسی را ازین برده، دنباله شخصیت خود را ازین برده و مرتکب قتل یک انسان مستقل نشده است. این استدلال از موارد کیفیات مخفیه محسوب شد، اما به براءت متهم منجر نگردید. اما خود مسأله و دفاع متهم و وکیل او قابل تأمل است.

حال ببینیم، فناوری شبیه‌سازی که روزبه‌روز رو به گسترش است، از حیث اجتماعی و فلسفی چه مشکلاتی را برای انسان و انسانیت پدید می‌آورد.

● شبیه‌سازی از دیدگاه اجتماعی و فلسفی

در پی تولد سومین کودک شبیه‌سازی شده، بسیاری از دانشمندان در سرتاسر دنیا شبیه‌سازی را فاجعه‌ای برای انسانیت خواندند. پاپ، رهبر کاتولیک‌های دنیا از دانشمندان این رشته خواست تا شبیه‌سازی انسان را متوقف سازند.

امروز حقوق‌دانان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، روشنفکران و نویسندگان بشر دوست، همه با هم اتفاق نظر دارند که خانواده محل و مکان امن و درستی برای تربیت کودکان و رشد مناسب شخصیت آنان است. فرزندان طلاق همیشه با مشکلات روحی فراوان مواجه بوده‌اند. اگر به درستی آمار گرفته شود، درصد بالایی مجرمین، معتادان، و منحرفین از قواعد و احکام اجتماعی، فرزندان هستند که از نعمت خانواده به نحوی محروم بوده و یا در اثر جدایی پدر و مادر از کانون گرم خانواده بی‌بهره مانده‌اند. بنابراین تثلیث پدر - مادر - فرزند یا فرزندان، عامل مهمی برای تلطیف شخصیت

کودکان و مثبت اندیشیدن آنان است.

اکثر فرزندان مثبت، خلاق، کوشا، خادم، سازنده، دانشمند و عاشق بشریت از میان خانواده‌هایی بیرون آمده‌اند که در آن‌ها عشق، رأفت و محبت بر روابط بین پدر و مادر حاکم بوده و هیچ چیز مانع حفظ حرمت پدر و مادر نبوده است، اما متأسفانه پس از جنگ دوم جهانی به ویژه در اروپا و برخی نقاط دیگر جهان که چهل میلیون انسان کشته شد، ارزش‌های اخلاقی برای بازماندگان جنگ فرو ریخت و بسیاری از متفکران و نویسندگان به عملکرد انسان بدبین شدند. نمله‌های پوچ‌گرایی و نهیلیسم، و هیپی‌گری همه پس از جنگ دوم جهانی پدید آمد و نومیدی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی و از هم پاشیدن خانواده‌ها شروع شد، و به دلیل وجود انرژی منفی در میان بازماندگان جنگ، بیماری‌های روانی شیوع پیدا کرد و طلاق امری رایج بین زنان و مردان به ویژه در غرب شد.

اگرچه از لحاظ اقتصادی شکوفایی پدید آمد، اما اخلاق و اخلاقیات به سراشیبی سقوط افتاد و در نتیجه، فرزندان بدون خانواده از رأفت، مثبت‌اندیشی و احترام به ارزش‌های انسانی دور شدند. نتیجه آن در غرب «انفجار» خانواده بوده است. بی‌خانمانی، و بی‌پدري به اندازه کافی جوانان غرب را رنج می‌دهد. اکنون اگر انسان‌های شبیه‌سازی شده و بی‌پدر و بی‌خانواده نیز بر این خیل اضافه شوند، بر سر سرنوشت بشر چه خواهد آمد. مضافاً این که شبیه‌سازی، انسان را شبیه روایات می‌کند. در آینده روایات‌های ساخته شده چیزی از انسان‌های شبیه‌سازی شده کم ندارند. بنابراین ماشینی کردن جسم و روح و روان انسان همان خطر را دارد که اکثر جوانان را با مواد مخدر معتاد کردن.

شبیه‌سازی فقط در صورتی خوب و مفید و لازم است که برای خدمت به بشریت - مثلاً برای معالجه امراضی نظیر سرطان، ایدز و غیره و یا برای جایگزین کردن اعضای از دست رفته انسان - به کار رود.

قانون که زیربنای علم حقوق را تشکیل می‌دهد و در این مورد رسالت خطیری بر عهده دارد. حقوق‌دانان و قانونگذاران باید سعی کنند بهترین قانون را برای شبیه‌سازی وضع کنند تا از یک طرف، حرمت انسانیت و حریم آسمانی و معنوی او شکسته نشود، و از سوی دیگر، تحقیقات علمی دچار عقب‌افتادگی و مشکل نشوند. این وظیفه علم ژرف

حقوق و فن قانونگزاری است که هر جا مسائل جدید و تکنولوژی رخ می‌نماید، به کمک جامعه رفته، بهترین راه حل را ارائه و انسان‌ها را ارشاد و هدایت کند.

ما نمی‌توانیم از شبیه‌سازی بگریزیم. همان‌طور که از هیچ دستاورد علمی دیگر مانند اینترنت، ماهواره، اطلاعات و ارتباطات الکترونیک و فناوری فضائی نتوانستیم فرار کنیم. اساساً فرار چرا؟ ما باید به استقبال آن‌ها برویم و با تمام قوا کشور خود را به این فناوری‌ها تجهیز بکنیم، و با وضع و اجرای قوانین مدون و صحیح به بهترین وجه از دستاوردهای جدید فناوری برای توسعه علم و اندیشه در جامعه استفاده کنیم.

ناگفته نماند که اولین کشوری که در برابر شبیه‌سازی انسان عکس‌العمل شدید نشان داده، کشور فرانسه است. چون در یازدهم بهمن‌ماه خبرگزاری‌های سراسر عالم خبر دادند که مجلس فرانسه شبیه‌سازی را جنایتی بر علیه بشریت دانسته و آن را ممنوع اعلام کرده و مجازات شبیه‌سازی به دلیل این که فردی را از هویت ژنتیکی خود محروم می‌کند، بیست سال حبس و پرداخت ۷۰۰۰۰۰۰۰ یورو جریمه مقرر شده است.

آمریکا هم محدودیت‌هایی را قائل شده است، اما باید سنای آمریکا نیز آن را تصویب کند. اگر آمریکا، روسیه، ژاپن، انگلستان، فرانسه، آلمان و چین هم قوانینی بر علیه شبیه‌سازی وضع کنند، این تکنیک تقریباً مهار شده و از آن جلوگیری می‌شود. اما جلو تحقیقات دانشمندان را تا کی می‌توان با وضع قوانین گرفت؟ این تحقیقات به کشورهای دیگر نظیر کره، برزیل و یا هر کشور دیگر که استعداد آن را داشته باشد خواهد رفت. فقط همان‌طور که نوشتم باید این فناوری به نفع کامل بشریت مورد استفاده واقع شود و قانون و قوای قانونگزاری می‌توانند بهترین راه را برای این کار برای جامعه انتخاب کرده، آن را به شاهره سعادت رهنمون شوند.

منابع:

- ۱- سایت‌های اینترنت www.Yahoo.com , www.msn.com
- ۲- ژان شارون - روم، این ناشناخته، ترجمه دکتر محسن فرشاد.
- ۳- ایوانویچ اپارین - پیدایش و سیر تکاملی حیات، ترجمه مصطفی مفیدی.
- ۴- دکتر ناصر کاتوزیان - قانون مدنی در نظم کنونی.
- ۵- قانون مدنی ایران.